

دیالکتیک مفهوم صیوررت و پویایی با مسئله حفظ آثار و نشانه‌های گذشته از دیدگاه‌اندیشمندان پست مدرن.

نمونه موردی: طرح تعریض خیابان مدرس کرمانشاه و مسئله آسیب دیدن بافت تاریخی بازار سنتی

۱- مجتبی نظری*: دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

mojtaba1211@yahoo.com

۲- دکتر حسین اردلانی: استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

H.Ardalani@iauh.ac.ir

چکیده

دو مفهوم صیوررت و حفظ آثار و نشانه‌های گذشته هر کدام از نظر اندیشمندان پست مدرن (به عنوان یک اندیشه انتقادی نسبت به اندیشه مدرن) مورد توجه و تاکید قرار دارند. از این رو با بررسی عمیق این دو مفهوم به ظاهر متضاد از نگاه نظره پردازان پست مدرن و با در نظر گرفتن یک نمونه موردی و تطبیق مفاهیم یاد شده با شرایط آن در پی یافتن نحوه برخورد اندیشمندان پست مدرن با چنین دوگانگی هستیم. در شهر کرمانشاه یک خیابان به عنوان شریان اصلی و با بافت تاریخی وجود دارد که بدون تعریض و با عرض فعلی خیابان حتی با اعمال انواع محدودیت‌های ترافیکی باز هم جوابگوی رفت و آمد شهروندان کرمانشاهی نیست. از طرف دیگر، تعریض این خیابان باعث تخریب بافت سنتی و با ارزش بازار کرمانشاه می‌شود. دغدغه پیشرو در این تحقیق چگونگی حل این معضل با استفاده از نگاه اندیشمندان پست مدرن نسبت به مفاهیم به ظاهر دوگانه (صیوررت-پویایی و حفظ آثار و نشانه‌های گذشته) می‌باشد. آنچه مورد پرسش واقع می‌شود این است که اندیشمندان پست مدرن در مواجهه با چنین شرایطی اگر دست به انتخاب بزنند کدامیک از مفاهیم گفته شده در بالا می‌تواند ارجحیت داشته باشد. در اینجا این فرض مطرح می‌شود که با بررسی دقیق و عمیق این مفاهیم در اندیشه پست مدرن بتوان به راه حلی برای رفع این دوگانگی دست یافت. در پایان باید گفت با بررسی عمیق مفاهیم یاد شده از نگاه اندیشمندان پست مدرن مانند دلوز می‌توان نتیجه گرفت نه تنها دوگانگی در بین این دو مفهوم وجود ندارد، بلکه همسو بودن آنها در حل معضل و دستیابی به راه حل منطقی و منطبق بر اندیشه پست مدرن می‌تواند به ما کمک کند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و از نظر روش انجام تحقیق (متد تحقیق) بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق از نظر روش‌شناسی، کیفیت‌گرا و یا تفسیری است و ابزار تحقیق بیشتر بر اساس فیش‌برداری از مطالب مطالعه شده در متون مرتبط با موضوع می‌باشد.

کلیدواژه: مدرن، پست مدرن، صیوررت و پویایی، آثار و نشانه‌های گذشته.

مقدمه

ما در اندیشه پست مدرن مفاهیمی داریم که به عنوان مفاهیم اصلی و پایه‌ای در این پارادایم مورد توجه می‌باشند. این مفاهیم در بعضی موارد به صورت کاملاً واضح نظر نظریه پردازان معتقد به اندیشه پست مدرن بیان می‌کنند. اما برای درک بهتر بعضی از این مفاهیم نیاز به مطالعه عمیق‌تر و گاهی تجزیه و تحلیل این نظریات می‌باشد. علاوه بر این بعضی از مفاهیم در شکل ظاهری داری تضاد و تناقض می‌باشند. در این تحقق سعی شده دو مورد از مفاهیم مورد نظر نظریه‌پردازان پست مدرن که در ظاهر با یکدیگر متناقض می‌باشند مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان مشخص کرد که اندیشه پست مدرن در رویارویی با این دوگانگی به چه شکل عمل می‌کند. مفاهیم مورد بررسی در این پژوهش دو مفهوم به ظاهر متناقض سیوروت و پویایی، و یا مسئله حفظ آثار و نشانه‌های گذشته می‌باشد. برای بیان بهتر این موضوع یک نمونه موردی که ما در برخورد با آن دچار این دوگانگی می‌شویم مورد بررسی قرار گرفته است، تا بتوان با تطبیق این مفاهیم با نمونه مورد مطالعه به چگونگی تصمیم‌گیری و نوع برخورد اندیشمندان پست مدرن با این دوگانگی پی برد. مسئله ایجاد شده در نمونه مورد مطالعه را باید به این شکل بیان کرد که در شهر کرمانشاه یک خیابان به عنوان شریان اصلی وجود دارد که در حال حاضر به خاطر بار ترافیکی زیادی که روی این خیابان هست، به‌عنوان یک مشکل اصلی ترافیکی در شهر مطرح شده و با اعمال انواع محدودیت‌های ترافیکی باز هم جوابگوی رفت و آمد شهروندان کرمانشاهی نیست. از طرف دیگر، تعریض این خیابان مستلزم تخریب بافت سنتی و با ارزش بازار کرمانشاه می‌باشد. در ادامه این تحقیق به دنبال یافتن راه‌حلی برای برخورد با این دوگانگی هستیم. این مقاله تلاش دارد با بررسی دو مفهوم به راه‌حلی برسد که در آن هم مفهوم سیوروت و پویایی اتفاق افتاده به شکلی که بهانه حفظ آثار و نشانه‌های گذشته مانع از ایجاد حرکت و تغییر نشده، علاوه بر آن در راستای جاری شدن مفهوم سیوروت و پویایی آنچه که آثار و نشانه‌های گذشته می‌باشد از بین نرفته و با حفظ این آثار به نوعی انعطاف که در اندیشه پست مدرن مد نظر هست اتفاق بی‌افتد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و از نظر روش انجام تحقیق (متد تحقیق) بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق از نظر روش‌شناسی، کیفیت‌گرا و یا تفسیری است و ابزار تحقیق بیشتر بر اساس فیش‌برداری از مطالب مطالعه شده در متون مرتبط با موضوع می‌باشد.

سوال تحقیق

آنچه در این پژوهش مورد سوال واقع شده چگونگی برخورد و نوع تصمیم‌گیری اندیشمندان و افراد معتقد به اندیشه پست مدرن در مواجهه با مفاهیم دوگانگی سیوروت و پویایی - مسئله حفظ آثار و نشانه‌های گذشته می‌باشد. برای بیان بهتر این موضوع با مطرح کردن نمونه موردی خیابان مدرس کرمانشاه به دنبال این پاسخ هستیم که اندیشه پست مدرن در روبرو شدن با موضوع تعریض خیابان مورد نظر در مطالعه به منظور حل معضل ترافیک به چه شکل تصمیم می‌گیرد، و اگر در مقام انتخاب باشد تعریض خیابان را به عنوان نماد سیوروت و پویایی انتخاب می‌کند و یا حفظ آثار و نشانه‌های گذشته را مورد توجه قرار داده و از تعریض خیابان صرف نظر می‌کند.

ضرورت انجام تحقیق

آنچه در این‌جا می‌توان به عنوان ضرورت انجام این تحقیق بیان کرد در ابتدا مهم بودن معانی اصلی و مد نظر نظریه‌پردازان پست مدرن و چگونگی رویارویی با دیالکتیک ایجاد شده در مورد این دو مفهوم می‌باشد. اما در ادامه باید گفت که علاوه بر مهم بودن این مفاهیم و چگونگی برخورد اندیشمندان و معتقدین به اندیشه پست مدرن با این مفاهیم، وجود معضل حل‌نشده در بیشتر از چهل سال گذشته در مورد نمونه مورد مطالعه می‌تواند ضرورتی برای انجام تحقیق باشد. به گونه‌ای که با استفاده از معنی و مفهوم حقیقی مفاهیم بیان شده در اندیشه پست مدرن بتوان به تصمیمی درست و منطقی برای حل این مشکل رسید، به شکلی که هم حل معضل ترافیک مورد نظر قرار گیرد و هم آثار و نشانه‌های موجود در بازار سنتی کرمانشاه حفظ شده و از بین نرود؟

پیشینه پژوهش

سامی، مهرداد؛ احمدنژادسردردی؛ فرهاد و هاشمی‌خیبر، فرشید (۱۳۹۲). درپژوهشی با عنوان بررسی مفهوم سیوروت در معماری مقایسه تطبیقی سیوروت از دیدگاه ملاصدرا و هگل. با روش تطبیقی - مقایسه‌ای، اولاً این هدف را دنبال می‌کند تا با تشابهات یا تفاوت‌های صورتی و مفهومی بحث سیوروت را در فلسفه‌ی این دو بزرگ بررسی نماید و تأثیر و تأثرات هر دو مورد را در هنر دوره خود مورد کنکاش قرار دهد. نتایج اولیه مطالعات، نشان از تفاوت‌های عمیق معنایی و مفهومی آراء ملاصدرا و هگل، به رغم تشابهات صورتی در تفاسیر و خوانش‌های سطحی‌تر از این مفهوم نشان می‌دهد که ریشه‌های آن را در روش فلسفه، مقصد، زبان و زمان این دو می‌توان جست. در نهایت، پژوهش آثار این دو اختلاف مفهوم را در معماری، تزئینات و هنرهای دوره‌های صفوی و باروک، به صورت تفسیری - تاریخی بررسی و نتایج را به صورت تدوینی از تفاوت‌ها، به صورت صورتی و مفهومی ارائه خواهد داد.

صانعی‌ده‌بیدی، منوچهر (۱۳۸۵). در مقاله وجود در نظر نیچه. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. چگونگی تحویل هستی به سیوروت و ربط آن به اراده به قدرت و بازگشت جاویدان همان مورد بررسی واقع شده است مفاهیم کلیدی فلسفه نیچه عبارت است از: سیوروت، بازگشت جاویدان همان، اراده به قدرت و نیست‌انگاری (نیلهلیسم). نیچه برای ایجاد ارتباط منطقی بین این مفاهیم، مفهوم «هستی» را با نگرش خاص به مفهوم «سیوروت» تحویل کرده است. این تحویل از نظر انسان شکل می‌گیرد و در نظر او این دیدگاه انسان است که به هستی معنی می‌دهد.

خادمی، مهدی (۱۳۹۰). در یک مقاله با عنوان ارزیابی دیدگاه ملاصدرا و کرگور درباره‌ی سیوروت انسان. معارف عقلی. سال ششم. شماره ۱. شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه این دو متفکر در زمینه سیلان وجودی انسان را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

در ادامه باید گفت که در موارد زیادی مطالعات در مورد مفاهیم بیان شده در اندیشه پست مدرن انجام شده است. اما آنچه که به عنوان نوآوری در این پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد بررسی دو مفهوم متضاد در اندیشه پست مدرن و تطبیق آن با یک نمونه موردی می‌باشد.

مبانی نظری

معرفی اجمالی اندیشه پست مدرن

پست مدرنیسم که به عنوان وجه ممیز عرصه‌ی معاصر از عرصه‌ی مدرن فهمیده می‌شود، اولین بار در سال ۱۹۱۷ به وسیله‌ی فیلسوف آلمانی رودلف پائوتیس برای توصیف هیچگرایی فرهنگ غربی قرن ۲۰ که مضمونی وام گرفته از نیچه بود به کار رفت و مجدداً در سال ۱۹۳۴ در آثار منتقد ادبی اسپانیایی فدریکو اولینس در اشاره به واکنش علیه مدرنیسم ادبی ظاهر شد. پست مدرنیسم در سال ۱۹۳۹ به دو طریق متفاوت در انگلیس به کار رفت، یکی توسط برنارد ادینگز برای به رسمیت شناختن شکست مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب و توسط آرنولد توینبی مورخ برای اشاره به ظهور جامعه‌ی توده‌های پس از جنگ جهانی اول که در آن طبقه کارگر اهمیت بیش از طبقه سرمایه‌دار پیدا می‌کند. کاربرد پست مدرنیسم در فلسفه به دهه ۸۰ برمی‌گردد که اولاً برای اشاره به فلسفه فرانسوی پسا ساختارگرایی بود و ثانیاً برای دلالت به واکنشی عمومی علیه عملگرایی مدرن. چارلز جنکز پست مدرنیسم را در سال ۱۹۷۵ در معماری به کار برد (کپون، ۱۳۸۴). پست مدرنیسم طی دو تا سه دهه‌ی اخیر (۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰) گسترش خود را آغاز کرد. کتاب چارلز جنکز «زبان معماری پست-مدرن» ۱۹۷۷، نخستین کتابی بود که موضوع آن جنبش پست مدرن بود و در عنوانش از این واژه استفاده کرده است. جنکز در کتابش می‌گوید: کاری که من کردم، به اختصار در آوردن پاسخ‌هایی بود مختلف، به شکست‌های مدرنیته در معماری و آنها را نقدانه و بحث‌برانگیزانه، مربوط ساختم به حوزه‌های گسترده از دو عنوانگی و این تأثیر را هم داشت که جنبش‌های نوپای هنر و فلسفه را که به نظر می‌رسید دارای نقاط مشترک‌اند، تشدید و تقویت کند. این جنبش در اواخر دهه‌ی ۸۰ مثل بمب صدا کرد در قالب مجموعه مکانی و اسازانه و پسا ساختارگرا و یا بر عکس به شکل جنبش‌هایی خودنظام یافته، یعنی پست مدرنیسم «زمینه‌گرا»، «اکولوژیکی»، «موجه» و «نوسازمان یافته». (جنکز، ۲۰۰۹).

توصیف پست مدرنیسم دشوار به نظر می‌رسد. زیرا مفهومی است که در انواع گسترده‌ای از دیسپلین‌ها و حیطه‌های مطالعاتی از قبیل هنر، معماری، موسیقی، فیلم، ادبیات، جامعه‌شناسی، ارتباطات، تکنولوژی نمایان شده است. دشوار است که این مفهوم را در زمان یا تاریخ خاصی جای دهیم، زیرا زمان دقیق ظهور پست مدرنیسم مشخص نیست.

جنکز می‌گوید: ما از طریق کارل مارکس، آدلف لوس و تام ولف، سه شخصیت متفاوت به این نتیجه رسیدیم که مدرنیسم سبک طبیعی بورژوازی است و این امر حاکی از این معنا است که آوانگاردی که مدرنیسم را به جلو می‌راند مستقیماً پویایی سرمایه‌داری را منعکس می‌کند و امواج تازه‌ی نابودی و ساختن آن و جنبش‌های سالانه و «ایسم‌ها»یی که یکی بعد از دیگری می‌آیند همچون از پی آمدن فصل‌ها پیش‌بینی پذیرند. اما این واقعیت در ده سال گذشته تغییر یافته است، نه بر این دلیل که بورژوازی و سرمایه‌داری «دود شده و به هوا رفته» بلکه به این دلیل که هنرمندان، معماران، ناقدان و عامه‌ی مردم مبادرت به فهم این پویایی‌ها کرده‌اند و موضوع تازه‌ای گرفته‌اند که من آن را «پست آوانگارد» می‌خوانم و این شاید بیشتر قابل پیش‌بینی باشد (Jenks, 2009).

در فرهنگ علوم اجتماعی واژه‌ی پست مدرن به معنای فرامردن آمده است. واژه‌ی مدرن از کلمه‌ی لاتین modo و لاتین متأخر modemus ریشه گرفته است. یعنی هم‌اکنون، معاصر هم تعبیر می‌شود. کلمه‌ی مدرن به این شکل لاتین نخستین بار در قرن پنجم میلادی برای متمایز کردن حال آن دوران که همان دوران مسیحیت بود، از دوران جاهلیت و کفر و حتی دوران رومیان، استفاده شد. این واژه از آغاز تاکنون مفهوم گذر از کهنه به نو را افاده کرده است و در هر حال برای نشان دادن کیفیتی است که هم جاری است و هم با گذشته تفاوت دارد. از سده شانزدهم به بعد این واژه برای جدا کردن دوران‌های تاریخی استفاده شده است تا تفاوت بین معاصر و سنتی باشد. واژه‌ی پست هم به معنی «پسا» آمده است. پست مدرن چیزی است که در مدرن، ارائه نشدنی را در قالب خود ارائه می‌کند (جنکز، ۲۰۰۹). اصول و ویژگی‌های کار پست مدرن تعیین شده نیستند، اما چیزی‌اند که اثر هنری به دنبالش است. پست مدرن را باید بر اساس پارادوکس آینده «پست» و پیشین «مدا» درک کرد (جنکز، ۲۰۰۹: ۴۰).

مفهوم سیروورت از دیدگاه اندیشمندان پست مدرن

سیروورت ۱ (رخداد شدن) ۲ و سیالیت نقشی محوری در اندیشه دلوز دارد. او به پیروی از فیلسوفان دیگر همچون اسپینوزا، هیوم و نیچه، حرکت را به اندیشه نیز وارد می‌کند و نشان می‌دهد که اندیشه نیز نمی‌تواند به شدن و حرکت بیانیدشد مگر اینکه خودش را محصول همان حرکت بداند (دلوز، ۱۳۹۱، الف). با رجوع به آثار او می‌توان گریز از بودن و ماندگاری در یک وضعیت ایستا را دریافت. به‌طور مثال او در کتاب خود با عنوان نیچه می‌گوید: «تنها چیزی که زندگی نیست، بودن است، زیرا اگر چنین چیزی وجود می‌داشت، مساوی با بازایستادن جریان جاودان شدن می‌بود.» (دلوز، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

این‌گونه نیست که اشخاصی وجود داشته باشند که سپس احساس و درک کنند یا آن‌که حیاتی وجود داشته باشد که دارای کیفیت‌هایی باشد. حیات توده‌ای پویا از تأثیرها، کنش‌های متقابل، مواجعات یا اتصالات و تولیدات ماشینی ناب است. از طریق تأثیرها است که موجودات متمایز شکل گرفته‌اند (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۰۴). «دلوز با تأثیر پذیرفتن از آراء برگسون در مدرنیته، حرکت را در نقاط بنیادینش تجزیه و تحلیل می‌کند. این حرکت هموار کننده به این معنا است که بدن برای رسیدن به اطلاعات (شناخت) می‌تواند در هر لحظه، هر چیزی ادراک شود. این مفهوم از حرکت، رویکردی متضاد دارد با مفهوم سنتز هم‌نهادی حرکت، لحظات از پیش متعین می‌باشد» (Mc Mahon, 2010, p.353).

دلوز تلاش می‌کند تا در آراء خود خطر محدود شدن حیات و تجربه را نشان دهد. دلوز به نقل از کولبروک می‌گوید: «ما نمی‌بایست که زندگی‌مان را با محدود کردن سیروورت‌مان با رمزگان‌های اخلاقی یا هنجارهای از پیش موجود محدود کنیم» (همان، ص ۲۱۴). چرا که محدود کردن همچون بودن نمی‌تواند زنده باشد. «هستی یک جسم چیزی جز حرکت‌های آن نیست» (همان، ص ۷۸). ادراک سیروورت، به‌ویژه در هنر، تنها ارجاع تجربه‌های حسی به جهان چیزهای تجربه شده نیست. در هنر می‌توانیم خود حساسیت را تجربه کنیم، نه فقط امر محسوس که بر اساس علایق ویژه‌ی شخص مدرک ادغام و سازمان‌دهی شده است. مانند خود زشتی، خود شادی نه فرم شادی. جیغ و نه فردی که فریاد می‌کشد. «من در شادی آن‌چه را که خودم نیستم ادراک می‌کنم و با این کار، دامنه آن‌چه را که هستم و آن‌چه را که ممکن است بشوم گسترش می‌دهم» (همان، ص ۲۱۱). سیروورت اشاره به یک نوع توجه به بالقوگی دارد. در حرکت میان بالقوگی و بالفعلی تلاشی است

^۱ Becoming
^۲ Eventhood

برای دوری از بازنمایی چیزی ثابت. به طور مثال: برای جراحت زخم بدن یک چاقو و یک تصویر از بدن کافی است و نه یک تصویر از بدنی زخم خورده توسط چاقو. اینجا نباید بالفعل بودن را بازنمایی کرد و این عین زندگی است و با این کار امکان‌های زیست بشر افزایش می‌یابد. ۱. سیوروت می‌تواند فعل یک موجود یا اقدام یک شخص نباشد. سیوروت می‌تواند در خود نوسانی‌ها و کنش‌هایی فارغ از فعل موجودات باشد. «شدنی نامحدود و همیشگی، بدون حد و مرز، حرکت یا جنبشی دائمی از تعارض‌ها» (Patton, 1997, p.30).

فوکو معتقد است که یک فرد دارنده یک هسته‌ی مرکزی نمی‌تواند باشد، که قدرت و دیگر چیزها حول همان مرکز در حال چرخش باشند بلکه، بدن در یک سیوروت و سیالیت هر لحظه میان حالت‌هایی از موقعیت بدن در حال تغییر است؛ در واقع، بدن‌های خاص، حالت‌های خاص، گفتمان‌هایی خاص و امیال خاص و ... هستند که هویت ۲ یک فرد را ایجاد می‌کنند. درست همان‌طور که تجربه‌ها، فاعل شناسا را ایجاد می‌کنند (میلز، ۱۳۸۹). تنها واقعیت، واقعیت شدن است. جهان در حرکت، در شدن پیوسته و ناپیوسته بدون هیچ مرکز یگانه‌ای است. دیگر هیچ‌گونه دلیلی نداریم تا بتوانیم خود را متقاعد کنیم که جهانی حقیقی وجود دارد. ۳. حقیقت جهان همین سیوروت است. دیگر مقوله‌های: «هدف»، «وحدت» و «بودن» را که به مدد آن‌ها به جهان ارزش داده‌ایم، از جهان پس می‌گیریم و چنین می‌نمایند که جهان همه‌ی ارزش‌هایش را از دست داده است (دلوز، ۱۳۸۲). در ادامه و پس از بیان موضع‌گیری اندیشمندان پست مدرن و به صورت خاص دلوز در مورد دو مفهوم سیوروت و پویایی و حفظ آثار و نشانه‌های گذشته جمع‌بندی آن در دو جدول ارائه شده است. در این دو جدول به‌صورت جداگانه نگاه به هر دو مفهوم سیوروت و پویایی و حفظ آثار و نشانه‌های گذشته از دیدگاه اندیشمندان مدرن و پست مدرن آورده شده است.

حفظ آثار و نشانه‌های گذشته از دیدگاه اندیشمندان پست مدرن

شاید برای مفهوم حفظ آثار گذشته در اندیشه پست مدرن به‌اندازه‌ی مطالبی که در مورد سیوروت بیان شده نتوان اظهارنظر و موضع‌گیری مستقیم پیدا کرد. اما آنچه در این مورد می‌توان به آن اشاره کرد، می‌تواند نتیجه‌ی بررسی مفاهیم جامعه، سوز، گفتمان و دانش در اندیشه پست مدرن باشد. در مورد مفهوم جامعه در اندیشه پست مدرن می‌توان بیان کرد که سنت‌ها چیزهای مهمی دارند و آداب و رسوم گذشته به‌کلی بیهوده نیست (اردلانی، حسین، ۱۳۹۷: ۲۳). اما آنچه در مورد حفظ آثار گذشته مد نظر است، توجه نکردن به میل و تمنای به‌وجود آمده توسط سلطه می‌باشد (شهر مدرن، پاساژها و مرکز خریدهای بزرگ و پرزرق و برق) و توجه به بادی واحساسی که حفظ آثار گذشته را خوشایند می‌دانند. بحث تأثیر گرفتن از بیهوشی و ناخودآگاهی در تقابل اثبات‌گرایی (اردلانی، حسین، ۱۳۹۷: ۲۳) که در اینجا می‌توان از آن نتیجه گرفت که در مورد حفظ آثار گذشته از اثبات‌گرایی و محاسبه‌ی هزینه و فایده اجتناب می‌شود و آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد توجه به آنچه است که حال ما را خوب می‌کند.

دکتر حسین اردلانی در کتاب پس‌اساختارگرایی در فلسفه هنر ژیل دلوز با بیان عنوان‌ها و مفاهیم تک‌صدایی، کلی‌گویی و بدون استدلال موفق حرف زدن، دلالت ارجاعی، ادبیات کل، بی‌طرفی سخن غالب و بیان استفاده ابزاری از مفهوم گفتمان در اندیشه مدرن به نقد این مفاهیم پرداخته و در مقابل این مفاهیم چندآوایی، جزئی بودن گفتمان و بدون اعمال سلیقه خودارجاعی به‌معنی پذیرش مسئولیت عمل و گفتار خویش، اهمیت به ادبیات اقلیت، اهمیت به گفتگوی حسی و چند مفهوم دیگر را بیان کرد (اردلانی، حسین، ۱۳۹۷: ۲۸). که می‌توان از این هم نتیجه گرفت آنچه باعث کم‌اهمیت شدن آثار و نشانه‌های گذشته می‌شود، نگاه مدرن بوده و پست مدرن با توجه به مفاهیم گفته شده به آنچه بر تخریب آثار گذشته به بهانه‌های مختلف می‌باشد مخالف است.

یافته‌ها

معرفی نمونه موردی

آشنایی با خیابان مدرس

خیابان مدرس یا خیابان سپه خیابانی در شهر کرمانشاه است که از میدان آزادی (گاراژ) در مرکز این شهر آغاز شده و تا میدان انقلاب (شهرداری سابق) امتداد می‌یابد. ساخت این خیابان در سال ۱۳۱۴ خورشیدی انجام شد. خیابان مدرس خیابان اصلی در بافت قدیم کرمانشاه به شمار می‌آید و یکی از پرترددترین خیابان‌ها و اصلی‌ترین مسیرهای حمل و نقل شهر کرمانشاه است و به سبب ترافیک بیش از حد یک‌طرفه شده و در محدوده طرح ترافیک قرار گرفته‌است. طول این خیابان ۱۸۴۰ متر است. نام این خیابان در ابتدا خیابان سپه بود اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تابلوی آن به نام خیابان شاه (از میدان آزادی تا میدان فردوسی) تغییر کرد. در اوایل دهه ۱۳۵۰ نام خیابان (میدان آزادی تا چهارراه اجاق) به خیابان شاهپور تغییر کرد و نام شاه تنها بر روی ادامه آن (از میدان شهرداری سابق تا میدان فردوسی) باقی ماند. پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نام آن (از میدان آزادی تا میدان شهرداری) ابتدا توسط مردم به خیابان آزادی و سپس توسط حکومت به خیابان مدرس تغییر یافت. (کلارک، جی. آی. و کلارک، بی. دی. ۲۰۴: ۱۳۹۴). خیابان سپه در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵ میلادی) به طول ۱۸۴۰ متر و عرض ۲۰ متر در جهت شمال شرقی به جنوب غربی ساخته‌شد. این خیابان پس از خیابان شاه‌بختی (معلم کنونی) دومین خیابان در شهر کرمانشاه بود. با ساخت خیابان سپه، بازار کرمانشاه که طولانی‌ترین بازار خاورمیانه محسوب می‌شد به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. نخستین ساختمان‌های مدرن در شهر کرمانشاه مانند پاساژها، بانک‌ها و سینماها در این خیابان ساخته‌شدند. دو طرف خیابان درخت‌های چنار و افرا کاشته‌شد که امروز تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده‌است. در دهه ۱۳۴۰ طرح تعریض خیابان سپه

۱ کار اصلی دلوز، چنان‌که در کتاب‌هایش در مورد سینما روشن شده، تشخیص تک‌بودگی‌ها است: دور شدن از جهان متشکل و نظم‌یافته و اندیشیدن به تفاوت‌هایی که از طریق آن جهان تشکیل شده است (کولبروک، ۱۳۸۷، ص. ۶۲)

۲ ساشاکلر مکینز می‌گوید: «امروز که نیک در خود می‌نگرم، می‌بینم که من فردی مسرور، شیدا، خجل، درون‌گرا و در خود فرورفته، عصبی و سرخورده، مایوس و دچار استرس، غمگین و مالیخولیایی، پرشور، سرخوش، برون‌گرا، در بیان احساسات بی‌قید و بند، خواستار و متوقع احترام و ترسو هستم. من همه این احساسات و احساسات دیگری از این قبیل را عزیز می‌دارم. من خواهان آنها هستم. همه‌ی آنها. من این به هم‌ریختگی انسانیت و زنده بودنم را با طیب خاطر می‌پذیرم و آن را ترجیح می‌دهم. به آن زندگی نیم‌بندی که آن داروهای قانونی از طریق بی‌حس کردن مغز، ذهن و قلبم به من پیش‌کش می‌کنند» (میلز، ۱۳۸۹: ۱۶۸ و ۱۶۷).

۳ «به نظر بودریار، سیطره‌ی وانموده در فرهنگ پسامدرن نشانه‌ی فقدان امر واقعی است. ما دیگر قادر به تشخیص جهان واقعی از تصاویر آن نیستیم. برای مثال، امروزه تبلیغات بیش از آنکه به ما کالاها را بفروشند، تصاویر را می‌فروشند... به نقطه‌ای رسیده بود که دیگر نمی‌شد تمایزی میان ارسال تسلیحات و ارسال تصاویر قاتل شد. بودریار استدلال می‌کند که در چنین دنیایی ما قدرت نقادی را از دست داده‌ایم: ما نمی‌توانیم تصاویر بالقوه را با جهان بالفعل سنجش کنیم، چرا که ما معنای امر بالفعل را از دست داده‌ایم» (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

از سوی شهرداری وقت کرمانشاه ارائه شد. عملیات اجرایی تعریض این خیابان از سال ۱۳۴۸ آغاز شد و تاکنون به اتمام نرسیده است. این تأخیر سبب شده تا بسیاری از بناهای این خیابان ارزش تاریخی پیدا کرده و تخریب آن‌ها به منظور تعریض خیابان، نگرانی دوستداران میراث فرهنگی را در پی داشته باشد. (برومند سرخابی، هدایت الله، ۱۳۸۸: ۲۶۶)



شکل ۲: موقعیت بازار زرگرها و خیابان مدرس کرمانشاه (مأخذ: گوگل ارث)

شکل ۱: نمایی کلی از موقعیت خیابان مدرس کرمانشاه (مأخذ: گوگل ارث)



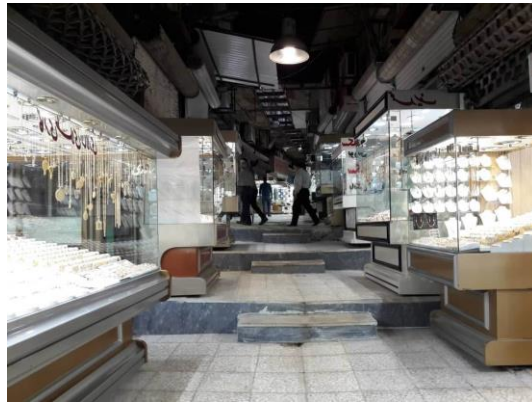
شکل ۳: نمایی از خیابان مدرس کرمانشاه (مأخذ: ایرنا)

آشنایی با تاریخچه و شناخت بازار سنتی شهر کرمانشاه

بازار کرمانشاه یک مرکز تجاری سنتی در شهر کرمانشاه است. ساختمان بازار دارای تویزه‌های منحصربه فردی است. این اثر در تاریخ ۱ دی ۱۳۷۶ با شماره ثبت ۱۹۴۴ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این بازار در حدود ۲۰۰ سال پیش و در زمان حاکم شهر کرمانشاه، محمد علی میرزای دولت‌شاه ساخته شده است. این بازار دارای ۱۸ راسته است و در زمان خود بزرگترین بازار سرپوشیده خاورمیانه به حساب می‌آمده است. احداث خیابان مدرس بازار به دو پاره شرقی و غربی تقسیم شده، گذرهای درون بافت قطع و خیابان پس از عبور از مقابل مسجد جامع و وسط سبزه میدان با از بین بردن این فضای شهری شاخه‌های اصلی بازار را قطع کرده و با ایجاد واحدهای تجاری در دو طبقه و جداسازی شهری این خیابان به یکی از اصلی‌ترین محورهای بافت کرمانشاه تبدیل شد. بازار کرمانشاه که در اثر عبور خیابانهای اصلی شهر هم‌اکنون به چهار قسمت تقسیم گشته است. این بازار از بخش‌ها و راسته بازارهای زیادی تشکیل گشته که جاذبه توریستی محسوب می‌شوند. با تغییراتی که در بازار بزرگ کرمانشاه به‌وجود آمد بسیاری از اصناف از جمله مسگری، سفیدگری، سراجی، صندوق سازی، گیوه کشی، نعل سازی، رنگرزی، صرافی در این بازار وجود دارد. بازار کرمانشاه دارای ۱۸ راسته است از آن‌ها می‌توان به زرگرها، تاریکه بازار، ادویه فروشی‌ها، بازار یهودی‌ها (بازار اسلامی)، آهنگرها، مسگرها، بنکدارها، بزازخانه و توپخانه اشاره کرد. این بازار دارای چهارسوق‌ها و ورودی‌های زیبایی است که نشانگر دید زیبای معماران عصرهای گذشته و فرهنگ غنی این منطقه می‌باشد. در زمان رونق اقتصادی منطقه و مسیر عبور جاده ابریشم، این بازار محل اصلی داد و ستد بازرگانان اروپایی و آسیایی بوده و با توجه به موقعیت استراتژیک دارای نشانه‌های خاص فرهنگی زیاد می‌باشد. (برومند سرخابی، ۱۳۸۸).



شکل ۵: نمایی از بازار زرگرها کرمانشاه (مأخذ: نگارنده)



شکل ۴: نمایی از بازار زرگرها کرمانشاه (مأخذ: نگارنده)

برایند نظر نظریه پردازان پست مدرن در مورد سیوروت و پویایی

برای تفکر واقعی لازم است به حیات آن گونه که در جریان زمان و سیوروت ظاهر می شود بنگریم، نه آن که از طریق نظرگاه های ثابت از پیش تعیین شده به آن تعین بخشیم. همچون مینا گرفتن سوژه شناسا و حکم کند (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۶). دلوز هرگونه ساختار از پیش تعیین شده از هستی و یا هر نظم هدفمند آن را انکار می کند. دلوز هرگونه نگرش خردمندانه از هستی را نفی می کند (Hardt, 2003) و همین مسئله است که معنی سیوروت و پویایی در تفکر دلوز را به گونه ای که بیان می کند که حیات را به مثابه شدن می داند و نه بودن (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱۴). دلوز معتقد است اندیشه نمی تواند با شدن و حرکت بی اندیشد مگر این که خودش محصول حرکت باشد (دلوز، ۱۳۹۱ الف).

با رجوع به آثار دلوز می توان گریز از بودن و ماندگاری در یک وضعیت ایستا را دریافت. دلوز اعتقاد دارد وجوه اندیشه نظیر هنر، علم، فلسفه، شناخته ها و ... تعاملاتی بی فایده نیستند. آنها تعاملاتی هستند که ما از طریقشان سیوروت می پذیریم. از نظر دلوز حرکت هموار کننده به این معنا است که بدن برای رسیدن به اطلاعات (شناخت) می تواند در هر لحظه هر چیزی را ادراک کند. (Mc Mahon, 2010: 351). سیوروت اشاره به نوعی بالقوگی دارد. سیوروت در میان حرکت بین بالقوگی و بالفعلی تلاشی است برای دوری از بازنمایی چیزی ثابت (Patton, 1996: 30). فلسفه دلوز به تفاوت ها می پردازد به شدن. به بدنی (بادی) اشاره دارد که هر لحظه آن با لحظه قبل متفاوت است (Mc Mahon, 2010: 335).

از نظر دلوز اعتماد به سوژه (فاعل شناسا) منجر به نادیده گرفتن شناخت بیرون از سوژه می شود. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱). به عقیده دلوز تنها واقعیت واقعی شدن است. جهان در حرکت نا ایستا بدون هیچ مرکز یگانه ای است. حقیقت جهان همین سیوروت است و مقوله هایی چون هدف، وحدت، بودن که به واسطه آنها به جهان ارزش می دادیم از جهان پس می گیریم (دلوز، ۱۳۸۷). از نظر دلوز بدن های خاص، گفتمان های خاص و امیال خاص ... هستند که هویت یک فرد را ایجاد می کنند (توجه به بادی). درست همان گونه که تجربه ها فاعل شناسا را ایجاد می کنند (میلز، ۱۳۸۹).

دلوز به دنبال پاسخی برای چگونگی به وجود آمدن مفاهیمی است که به دگم های مسلط بر اذهان تبدیل می شوند و یا این که چگونه است که می توان به ابداع مفاهیم جدید دست یازید و این که چگونه می توان میل به نوآوری و پویایی را از هسته سفت و سخت مفاهیم بیرون کشید. او برای بیان این مفهوم شیذوفرنی را فراتر از معنای روانشناسی آن معنی می کند. یعنی فردی که خود را در چهارچوب نظام های بسته و انعطاف ناپذیر فکری، اجتماعی و سیاسی محبوس نمی کند (دلوز و گتاری، ۲۰۰۴ الف، ۳۰۹-۳۶۲). پست مدرن نظامی است در بی نظامی و تلاش می کند که هر گونه ساختار مستحکم و ثابت را به پویایی، سیوروت و حیات بدل کند. (لش، ۱۳۸۳: ۲۱).

برایند نظر نظریه پردازان پست مدرن نسبت به حفظ آثار و نشانه های گذشته

سنت چیزهای مهمی دارد. به ساحت قدسی می باید توجه داشت. مدرنیست ها فقط اموری که با عقل سازگاری دارد را می پذیرند. اما پست مدرنیست ها می گویند هر چیزی که با عقل سازگار نیست را هم می توان پذیرفت. آداب و رسوم گذشته تماماً بیهوده نیست. متافیزیک و حتی جادو چیزهای مضر نیستند و شاید در خود نکاتی را نهفته باشند و در آخر، احساس های عرفانی و آیینی را نمی توان نقد کرد (Malpas, 2005).

برای تفکر واقعی لازم است به حیات آن گونه که در جریان زمان و سیوروت ظاهر می شود بنگریم، نه آن که از طریق نظرگاه های ثابت از پیش تعیین شده به آن تعین بخشیم. همچون مینا گرفتن سوژه شناسا و حکم کند. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۶). دلوز هرگونه ساختار از پیش تعیین شده از هستی و یا هر نظم هدفمند آن را انکار می کند. دلوز هرگونه نگرش خردمندانه از هستی را نفی می کند (Hardt, 2003) و همین مسئله است که معنی سیوروت و پویایی در تفکر دلوز را به گونه ای که بیان می کند که حیات را به مثابه شدن می داند و نه بودن. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱۴). دلوز معتقد است اندیشه نمی تواند با شدن و حرکت بی اندیشد مگر این که خودش محصول حرکت باشد (دلوز، ۱۳۹۱ الف).

با رجوع به آثار دلوز می توان گریز از بودن و ماندگاری در یک وضعیت ایستا را دریافت. دلوز اعتقاد دارد وجوه اندیشه نظیر هنر، علم، فلسفه، شناخته ها و ... تعاملاتی بی فایده نیستند. آنها تعاملاتی هستند که ما از طریقشان سیوروت می پذیریم. از نظر دلوز حرکت هموار کننده به این معنا است که بدن برای رسیدن به اطلاعات (شناخت) می تواند در هر لحظه هر چیزی را ادراک کند. (Mc Mahon, 2010: 351). سیوروت اشاره به نوعی بالقوگی دارد. سیوروت در میان حرکت بین بالقوگی و بالفعلی تلاشی است برای دوری از بازنمایی چیزی ثابت. (Patton, 1996: 30). فلسفه دلوز به تفاوت ها می پردازد به شدن. به بدنی (بادی) اشاره دارد که هر لحظه آن با لحظه قبل متفاوت است (Mc Mahon, 2010: 335).

از نظر دلوز اعتماد به سوژه (فاعل شناسا) منجر به نادیده گرفتن شناخت بیرون از سوژه می شود. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱). به عقیده دلوز تنها واقعیت واقعی شدن است. جهان در حرکت نا ایستا بدون هیچ مرکز یگانه ای است. حقیقت جهان همین سیوروت است و مقوله هایی چون هدف، وحدت، بودن که به واسطه آنها به

جهان ارزش می‌دادیم از جهان پس می‌گیریم (دلوز، ۱۳۸۷). از نظر دلوز بدن‌های خاص حالت‌های خاص، گفتمان‌های خاص و امیال خاص ... هستند که هویت یک فرد را ایجاد می‌کنند (توجه به بادی). درست همان‌گونه که تجربه‌ها فاعل شناسا را ایجاد می‌کنند (میلز، ۱۳۸۹).

دلوز به دنبال پاسخی برای چگونگی به وجود آمدن مفاهیمی است که به دگم‌های مسلط بر اذهان تبدیل می‌شوند و یا این‌که چگونه است که می‌توان به ابداع مفاهیم جدید دست یازید و این‌که چگونه می‌توان میل به نوآوری و پویایی را از هسته سفت و سخت مفاهیم بیرون کشید. او برای بیان این مفهوم شیزوفرنی را فراتر از معنای روانشناسی آن معنی می‌کند. یعنی فردی که خود را در چهارچوب نظام‌های بسته و انعطاف‌ناپذیر فکری، اجتماعی و سیاسی محبوس نمی‌کند (دلوز و گتاری، ۲۰۰۴ الف، ۳۰۹-۳۶۲). پست‌مدرن نظامی است در بی‌نظامی و تلاش می‌کند که هر گونه ساختار مستحکم و ثابت را به پویایی، سیوروت و حیات بدل کند (لش، ۱۳۸۳: ۲۱).

۶- تحلیل یافته‌ها

در این بخش آنچه به عنوان تحلیل یافته‌های تحقیق به دست آمده در قالب دو جدول ارائه شده است. این جدول‌ها شامل جمع‌بندی نوع نگاه مدرن و پست مدرن به دو مفهوم مورد نظر می‌باشد. مطالب مطرح شده در جدول‌ها شامل نگاه اندیشمندان پست مدرن (به عنوان یک اندیشه انتقادی به مدرنیسم) به این مفاهیم و رویکرد عملی هریک از اندیشه‌ها در مواجهه با مفاهیم سیوروت، پویایی و حفظ آثار و نشانه‌های گذشته می‌باشد.

لازم به توضیح است در جدول شماره یک با توجه به اینکه در نگاه اول مفهوم سیوروت و پویایی در تفکر مدرن به معنی ایجاد تغییر می‌باشد، به همین دلیل در بعضی از عبارات به جای استفاده از مفهوم سیوروت و پویایی از کلمه ایجاد تغییر استفاده شده است.

جدول (۱) مقایسه مفهوم سیوروت و پویایی در حوزه معماری و شهرسازی در دو نگاه مدرن و پست مدرن. (ماخذ: نگارنده)

نگاه پست مدرن	نگاه مدرن	نظر نظریه پردازان پست مدرن
۱. اجتناب از ایجاد و تغییر به هر قیمت و در نظر گرفتن آثار تغییرات در زندگی اجتماعی و احساسی مردم.	۱. ایجاد تغییر به هر قیمت بدون توجه به عواقب آن به بهانه پیشرفت و رفاه	برای تفکر واقعی لازم است به حیات آن‌گونه که در جریان زمان و سیوروت ظاهر می‌شود بنگریم، نه آن‌که از طریق نظرگاه‌های ثابت از پیش تعیین شده به آن تعین ببخشیم. همچون مینا گرفتن سوژه شناسا و حکم کنند (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۶).
۲. توجه به تأثیر تغییرات در احساس (آیا تغییرات موجب سیوروت و پویایی می‌شود).	۲. عدم توجه به احساس در مسیر تغییرات	دلوز هرگونه ساختار از پیش تعیین شده از هستی و یا هر نظم هدفمند آن را انکار می‌کند. دلوز هرگونه نگرش خردمندانه از هستی را نفی می‌کند (Hardt, 2003) و همین مسئله است که معنی سیوروت و پویایی در تفکر دلوز را به گونه‌ای که بیان می‌کند که حیات را به مثابه شدن می‌داند و نه بودن (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱۴).
۳. ایجاد تغییر و تحول در راستای سیوروت و پویایی در وجود انسان و تأثیر بر بادی و حس انسان و نه صرف تغییر ظاهر و کالبد.	۳. تغییر معطوف به تغییرات ظاهری (با صورت خاص در معماری توجه به تغییرات کالبدی)	دلوز معتقد است اندیشه نمی‌تواند با شدن و حرکت بی‌اندیشد مگر این‌که خودش محصول حرکت باشد (دلوز، ۱۳۹۱ الف).
۴. اجتناب از تغییراتی که انسان را دچار روزمرگی کرده و از زندگی احساسی دور می‌کند و باعث سیوروت و پویایی می‌شود.	۴. ایجاد تغییر به بهانه ایجاد رفاه و زندگی مدرن اما در راستای سودآوری برای صاحبان قدرت	با رجوع به آثار دلوز می‌توان گریز از بودن و ماندگاری در یک وضعیت ایستا را دریافت. دلوز اعتقاد دارد وجوه اندیشه نظیر هنر، علم، فلسفه، شناخته‌ها و ... تعاملاتی بی‌فایده نیستند. آنها تعاملاتی هستند که ما از طریقشان سیوروت می‌پذیریم. از نظر دلوز حرکت هموارکننده به این معنا است که بدن برای رسیدن به اطلاعات (شناخت) می‌تواند در هر لحظه هر چیزی را ادراک کند. (Mc Mahon, 2010: 351).
۵. شرط ایجاد تغییر و حصول سیوروت و پویایی درگیر شدن احساسی و بادی انسان بدون توجه به تمایلات فاعل شناسا و نه به سود و زیان.	۵. شرط انجام تغییرات کسب سود به نفع قدرت	سیوروت اشاره به نوعی بالقوگی دارد. سیوروت در میان حرکت بین بالقوگی و بالفعلی تلاشی است برای دوری از بازنمایی چیزی ثابت (Patton, 1996: 30).
۶. پرهیز از ایجاد تغییرات ساختارمند و دارای چهارچوب چون اینگونه تغییرات بر خلاف مفهوم سیوروت و پویایی می‌باشد.	۶. ایجاد تغییرات ساختارمند و دارای چهارچوب به‌گونه‌ای که در تضاد با منافع رئوس قدرت نباشد.	فلسفه دلوز به تفاوت‌ها می‌پردازد به شدن. به بدنی (بادی) اشاره دارد که هر لحظه آن با لحظه قبل متفاوت است (Mc Mahon, 2010: 335).
		از نظر دلوز اعتماد به سوژه (فاعل شناسا) منجر به نادیده گرفتن شناخت بیرون از سوژه می‌شود. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱).
		به عقیده دلوز تنها واقعیت واقعیت شدن است. جهان در حرکت نا ایستا بدون هیچ مرکز یگانه‌ای است. حقیقت جهان همین سیوروت است و مقوله‌هایی چون هدف، وحدت، بودن که به واسطه آنها به جهان ارزش می‌دادیم از جهان پس می‌گیریم (دلوز، ۱۳۸۷).
		از نظر دلوز بدن‌های خاص حالت‌های خاص، گفتمان‌های خاص و امیال خاص ... هستند که هویت یک فرد را ایجاد می‌کنند (توجه به بادی). درست همان‌گونه که تجربه‌ها فاعل شناسا را ایجاد می‌کنند (میلز، ۱۳۸۹).
		دلوز به دنبال پاسخی برای چگونگی به وجود آمدن مفاهیمی است که به دگم‌های مسلط بر اذهان تبدیل می‌شوند و یا این‌که چگونه است که می‌توان به ابداع مفاهیم جدید دست یازید و این‌که چگونه می‌توان میل به نوآوری و پویایی را از هسته سفت و سخت مفاهیم بیرون کشید. او برای بیان این مفهوم شیزوفرنی را فراتر از معنای روانشناسی آن معنی می‌کند. یعنی فردی که خود را در چهارچوب نظام‌های بسته و انعطاف‌ناپذیر فکری، اجتماعی و سیاسی محبوس نمی‌کند (دلوز و گتاری، ۲۰۰۴ الف، ۳۰۹-۳۶۲).
		پست‌مدرن نظامی است در بی‌نظامی و تلاش می‌کند که هر گونه ساختار مستحکم و ثابت را به پویایی، سیوروت و حیات بدل کند. (لش، ۱۳۸۳: ۲۱).

جدول (۲) مقایسه نگاه مدرن و پست مدرن به حفظ آثار و نشانه‌های گذشته (ماخذ: نگارنده)

نگاه پست مدرن	نگاه مدرن	نظر نظریه پردازان پست مدرن
<p>۱. به بهانه پیشرفت نمی‌توان آثار و نشانه‌های گذشته را از بین برد (در واقع ارتباط با گذشته عامل عقب‌ماندگی به حساب نمی‌آید).</p> <p>۲. با تخریب آثار گذشته نمی‌توان باعث ضربه زدن به احساسات و عواطف و از بین بردن احساساتی مانند حس تعلق خاطر و یا خاطره انگیز بودن و یا دیگر احساسات مرتبط با آثار و نشانه‌های گذشته شد.</p> <p>۳. تغییر پیشرفت و پویایی به معنی از بین بردن فیزیکی آثار و نشانه‌های گذشته نمی‌باشد.</p> <p>۴. تخریب و از بین بردن آثار و نشانه‌های گذشته را به بهانه مدرن شدن نمی‌پذیرد. در صورتی که این تغییر در راستای درگیر کردن احساس انسان نبوده و به صرف ایجاد رفاه در ظاهر باشد.</p> <p>۵. به بهانه سود نمی‌توان آنچه را که برانگیزاننده احساس بوده و مردم با آن ارتباط احساسی دارند از بین برد و خراب کرد.</p> <p>۶. تغییرات نمی‌تواند همیشه در یک چهارچوب خاص و ساختارمند و بر اساس یک برنامه‌ریزی تیپ باشد که فقط به دنبال منفعت است.</p>	<p>۱. تخریب آثار و نشانه‌های گذشته به بهانه پیشرفت معنی ندارد.</p> <p>۲. حس تعلق و دیگر موارد احساسی نمی‌تواند مانع تخریب آثار و نشانه‌های گذشته شود (با شعار قطع ارتباط با گذشته)</p> <p>۳. تغییرات ظاهری و از بین بردن آثار گذشته ملاک پیشرفت و تغییر نیست.</p> <p>۴. با تخریب آثار گذشته از زندگی سنتی دور شده و به سمت زندگی مدرن حرکت می‌کنند.</p> <p>۵. در صورت سودآور بودن برای طبقه حاکم تخریب آثار و نشانه‌های گذشته مانعی ندارد.</p> <p>۶. تغییر و تخریب آثار و نشانه‌های گذشته در یک چهارچوب خاص و سودآور.</p>	<p>سنت چیزهای مهمی دارد. به ساحت قدسی می‌باید توجه داشت. مدرنیست‌ها فقط اموری که با عقل سازگاری دارد را می‌پذیرند. اما پست مدرنیست‌ها می‌گویند هر چیزی که با عقل سازگار نیست را هم می‌توان پذیرفت. آداب و رسوم گذشته تماماً بیهوده نیست. متافیزیک و حتی جادو چیزهای مضر نیستند و شاید در خود نکاتی را نهفته باشند و در آخر، احساس‌های عرفانی و آیینی را نمی‌توان نقد کرد (Malpas, 2005).</p> <p>برای تفکر واقعی لازم است به حیات آن‌گونه که در جریان زمان و سیورورت ظاهر می‌شود بنگریم، نه آن‌که از طریق نظرگاه‌های ثابت از پیش تعیین شده به آن تعین ببخشیم. همچون مینا گرفتن سوژه شناسا و حکم کنند. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۶).</p> <p>دلوز هرگونه ساختار از پیش تعیین شده از هستی و یا هر نظم هدفمند آن را انکار می‌کند. دلوز هرگونه نگرش خردمندانه از هستی را نفی می‌کند (Hardt, 2003) و همین مسئله است که معنی سیورورت و پویایی در تفکر دلوز را به گونه‌ای که بیان می‌کند که حیات را به مثابه شدن می‌داند و نه بودن. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱۴).</p> <p>دلوز معتقد است اندیشه نمی‌تواند با شدن و حرکت بی‌اندیشد مگر این‌که خودش محصول حرکت باشد (دلوز، ۱۳۹۱ الف).</p> <p>با رجوع به آثار دلوز می‌توان گریز از بودن و ماندگاری در یک وضعیت ایستا را دریافت. دلوز اعتقاد دارد وجوه اندیشه نظیر هنر، علم، فلسفه، شناخته‌ها و ... تعاملاتی بی‌فایده نیستند. آنها تعاملاتی هستند که ما از طریقشان سیورورت می‌پذیریم. از نظر دلوز حرکت هموار کننده به این معنا است که بدن برای رسیدن به اطلاعات (شناخت) می‌تواند در هر لحظه هر چیزی را ادراک کند. (Mc Mahon, 2010: 351).</p> <p>سیورورت اشاره به نوعی بالقوگی دارد. سیورورت در میان حرکت بین بالقوگی و بالفعلی تلاشی است برای دوری از بازنمایی چیزی ثابت. (Patton, 1996: 30).</p> <p>فلسفه دلوز به تفاوت‌ها می‌پردازد به شدن. به بدنی (بادی) اشاره دارد که هر لحظه آن با لحظه قبل متفاوت است (Mc Mahon, 2010: 335).</p> <p>از نظر دلوز اعتماد به سوژه (فاعل شناسا) منجر به نادیده گرفتن شناخت بیرون از سوژه می‌شود. (کولبروک، ۱۳۸۷: ۱۱).</p> <p>به عقیده دلوز تنها واقعیت و واقعیت شدن است. جهان در حرکت نا ایستا بدون هیچ مرکز یگانه‌ای است. حقیقت جهان همین سیورورت است و مقوله‌هایی چون هدف، وحدت، بودن که به واسطه آنها به جهان ارزش می‌دادیم از جهان پس می‌گیریم (دلوز، ۱۳۸۷).</p> <p>از نظر دلوز بدن‌های خاص حالت‌های خاص، گفتمان‌های خاص و امیال خاص ... هستند که هویت یک فرد را ایجاد می‌کنند (توجه به بادی). درست همان‌گونه که تجربه‌ها فاعل شناسا را ایجاد می‌کنند (میلز، ۱۳۸۹).</p> <p>دلوز به دنبال پاسخی برای چگونگی به وجود آمدن مفاهیمی است که به دگم‌های مسلط بر اذهان تبدیل می‌شوند و یا این‌که چگونه است که می‌توان به ابداع مفاهیم جدید دست یازید و این‌که چگونه می‌توان میل به نوآوری و پویایی را از هسته سفت و سخت مفاهیم بیرون کشید. او برای بیان این مفهوم شیروفرنی را فراتر از معنای روانشناسی آن معنی می‌کند. یعنی فردی که خود را در چهارچوب نظام‌های بسته و انعطاف ناپذیر فکری، اجتماعی و سیاسی محبوس نمی‌کند (دلوز و گتاری، ۲۰۰۴ الف، ۳۰۹-۳۶۲).</p> <p>پست‌مدرن نظامی است در بی‌نظمی و تلاش می‌کند که هر گونه ساختار مستحکم و ثابت را به پویایی، سیورورت و حیات بدل کند (لش، ۱۳۸۳: ۲۱).</p>

نتیجه گیری

در پایان می‌توان گفت نگاه اندیشمندان پست مدرن به این مفاهیم متفاوت از معنی ظاهری آنها می‌باشد. آنچه که در اینجا این دو مفهوم به ظاهر متضاد را هم راستا می‌کند، توجه به احساس است. یعنی توجه به آثار و نشانه‌های گذشته که برانگیزاننده‌ی احساس می‌باشد دقیقاً هم‌راستای مفهوم سیورورت و پویایی در معنی واقعی آن قرار می‌گیرد. زیرا به اعتقاد اندیشمندان پست‌مدرن این سیورورت و پویایی با درگیر کردن احساس و در ذهن در حال اتفاق افتادن است. البته نه ذهن به عنوان فاعل شناسا، زیرا دلوز معتقد است اعتماد به فاعل شناسا موجب نادیده گرفتن شناخت بیرون از سوژه می‌شود. بلکه سیورورتی از طریق توجه به بادی و احساس همان که دلوز از آن به عنوان حالت‌های خاص گفتمان‌های خاص و امیال خاص یاد می‌کند. ، جایی که انسان بدون توجه به سود و زیان در یک سیورورت و پویایی وجودی، نگاه و توجه خود را معطوف به احساس کرده و این توجه انسان را از محاسبه‌های دارای چارچوب دور می‌کند. چهارچوبی که دلوز آنرا دگم مسلط بر اذهان می‌داند. دقیقاً برعکس آنچه که در نگاه مدرن وجود دارد که اصل، توجه به فاعل شناسا و محاسبه‌ی سود و زیان است. از نگاه دلوز تنها واقعیت، واقعیت شدن است، شدن به معنی نماندن در آنچه بوده ایم و متوقف نشدن در آنچه هستیم شدن به معنی جاری بودن. وی هر گونه نگاه خردمندانه به هستی را نفی می‌کند. وی به دنبال پاسخی برای چگونگی مفاهیمی است که به دگم‌های مسلط بر اذهان تبدیل شده اند و از ابداع جلوگیری می‌کنند.

در این نگاه پویایی و سیورورت ارائه یک راهکار جدید خارج از چهارچوب همیشگی می‌باشد. لش معتقد است پست مدرن نظامی است در بی‌نظمی و سعی میکند هر گونه ساختار مستحکم و ثابت را به پویایی و سیورورت بدل کند. حال این راه‌حل می‌تواند ایجاد مترو برای حل معضل ترافیک باشد یا پیاده راه کردن این مسیر و یا هر موضوع و راه‌حلی که در آن بافت ارزشمند و تاریخی بازار کرمانشاه حفظ شود. با توجه به مفاهیم و موضوعات بیان شده در بالا دو مفهوم سیورورت و پویایی در نگاه

پست مدرن نه تنها در تقابل با هم نیستند، بلکه با توجه به معنی اصلی سیرورت و پویایی و کمک گرفتن از دیگر اصول و خط مشی‌های اندیشمندان پست مدرن مانند اصل توجه به بادی و احساسی به جای توجه به سوژه می‌توان نتیجه گرفت که خود مفهوم سیرورت و پویایی در معنی اصلی آن می‌تواند دست‌آویزی و انگیزه‌ای برای حفظ آثار و نشانه‌های گذشته باشد. چون معنی سیرورت و پویایی در واقع تغییر در ظواهر نمی‌باشد، بلکه این سیرورت وجودی بوده و با سپردن خود به دست احساس اتفاق می‌افتد. آنچه که دلوز ان را شدن می‌گوید.

مراجع

۱. کِهون، لارنس (۱۳۸۲). از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. مجموعه مقالات، ویراستار فارسی عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
۲. جنکس، چارلز. (۱۹۷۷). زبان معماری پست مدرن.
۳. دلوز، ژیل (۱۳۸۲). نیچه ترجمه دکتر پرویز همایون پور، تهران: نشر قطره
۴. دلوز، ژیل، گتاری، ف (۱۳۸۱). «ضد-ادیب: کاپیتالیسم و شیذوفرنی، ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دید
۵. دلوز، ژیل. (۱۳۸۲). نیچه، ترجمه دکتر پرویز همایون پور، تهران: نشر قطره.
۶. دلوز، ژیل. (۱۳۹۱). نیچه و فلسفه. ترجمه عادل مشایخی. تهران: نشر نی.
۷. کولبروک، کلر (۱۳۸۷). ژیل دلوز، ترجمه رضا سیروان. تهران: نشر مرکز.
۸. میلز، سارا (۱۳۸۹). میشل فوکو. ترجمه داریوش نوری. تهران: نشر مرکز.
۹. کلارک، جی. آی. و کلارک، بی. دی. ۱۳۹۴. کرمانشاه: مرکز استان پنجم، ترجمه کیومرث ایران‌دوست و کسری آشوری، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، چاپ نخست
۱۰. برومند سرخابی، هدایت‌الله. در جستجوی هویت شهری کرمانشاه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸
۱۱. اردلانی، حسین (۱۳۹۷). پاسااختار گرایی در فلسفه هنر ژیل دلوز. نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۱۲. بانی‌مسعود، امیر (۱۳۸۶). پست مدرنیته و معماری (بررسی جریان فکری معماری معاصر غرب از ۲۰۰۰-۱۹۶۰).
۱۳. پاستر، م. م. ۱۳۷۷ عصر دوم رسانه‌ها/ مارک پاستر؛ مترجم غلامحسین صالحیار. تهران: موسسه ایران.
۱۴. خادمی، مهدی (۱۳۹۰). ارزیابی دیدگاه ملاصدرا و کرگور درباره سیرورت انسان. معارف عقلی سال ششم، بهار ۱۳۹۰
۱۵. سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۸۸). اوج و افول مدرنیسم. تهران: چاپ و نشر نظر.
۱۶. صانعی‌دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۸۵). وجود در نظر نیچه، مجله علمی پژوهشی شناخت، شماره ۵۰.
۱۷. فرانسوا لیوتار، ژان (۱۳۸۲). وضعیت پست مدرن، گزارشی درباره دانش. ترجمه حسینعلی نودری. تهران: نشر گام نو.
۱۸. سامی، مهرداد و احمدنژادسردودی، فرهاد و هاشمی‌خبیر، فرشید (۱۳۹۲).
۱۹. مقاله بررسی مفهوم سیرورت در معماری مقایسه‌تطبیقی سیرورت از دیدگاه ملاصدرا و هگل. دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی
۲۰. لش، اسکات (۱۳۸۳). جامعه پست مدرنیسم، ترجمه شاپور بهیان. تهران: نشر ققنوس.
۲۱. نوربرگ-شولتس، کریستیان (۱۳۸۰). «تفکر هیدگر درباره‌ی معماری»، ترجمه‌ی نیر طهوری، مجله‌ی معمار، شماره‌ی .
22. Ambrose, D. (2009). Gilles Deleuze: The Intensive Reduction, Edited by V. Boundas London: Continuum.
23. Hart, M. (2003) Gilles Deleuze: An Apprenticeship in Philosophy London: The university of Minnesota press
24. Kaufman, E. (2010). BODIES, SICKNESS, AND DISSJUNCTION (Deleuze, Klossowski, and the Revocation [of Nietzsche]). In G. Genosko. Deleuze and Guattari. (327-349). London and New York: Routledge
25. Mc Mahon, Melissa, (2010), Beauty (Machine Repetition in the Age of Art). In G.Genosko.. Deleuze and Guattari. (350-357). London and New York: Routledge.
26. Malpas S. (2005) The postmodern. London and New York: Routledge
27. Patton, P. (1997). Deleuze: A Critical Reader.: Wiley-Blackwell.
28. Porter, R. (2009). Deleuze and Guattari: Aesthetics and Politics, Cardiff: University of Wales Press.